

تجارت خارجی و

وابستگی اقتصادی

(۱۹۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی)

از: مرتضی چینی چیان

در بررسی مسائل وابستگی توجه به چند نکته ضروری است. اول، وابستگی اقتصادی که مسئله‌ای است تاریخی و نریاضی است، برپا که در بعضی تاریخ شکل گرفته و سیر تکوینی خود را همچنان ادامه می‌دهد. از این رو بررسی مسائل مربوط به کشورهای وابسته (جهان سوم) بدون توجه به بعد تحولات تاریخی ناقص و عموماً گمراه کننده خواهد بود.

دوم، اقتصادهای وابسته بخشی از سیستم کلی اقتصاد جهانی است. بخش دیگر از این مجموعه کلی را اقتصادهای پیشرفته تشکیل می‌دهد و هرگونه مطالعه در مورد وابستگی باستانی در چهارچوب این مجموعه کلی جهانی صورت گیرد. سوم، تجارت خارجی به عنوان مهمترین ابزار تحول سیستم کلی اقتصاد جهانی و به عنوان نیروی محرکه جریان ارتباطی میان اقتصادهای وابسته و پیشرفته جایگاه ویژه در مطالعه پدیده وابستگی دارد.

تعلیق سیر تاریخی وابستگی در چهارچوب تجارت بین الملل و اثرات آن بر انگاره اقتصاد جهان موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد. دوره مورد بررسی، از قرن دهم میلادی تا پایان قرن نوزدهم میلادی است.



همچو کشیده غرب به سرزمین‌های شرقی تا آخرین

سالهای قرن نوزدهم میلادی شروع شد تا آخرین سالهای قرن سیزدهم میلادی طول کشید (۱۹۱۶ تا ۱۹۱۱ میلادی). این جنگ را به تاریخ به نام جنگهای صلیبی مشهور است. حسین بن مسکن از گروههای مختلف و با انگیزات متفاوتی بودند. فوئادها های اروپایی به تنهایی بنست آوردن اراضی و شایسته گرانمایه منشی جنگ بودند. سلطان اروپایی به امید جهانی از جنگهای صلیبی، اراضی را توسط گرسنگی و با ایجاد به ادای تکلیف دینی به میدان‌های نبرد روی آوردند. شهرهای تجاری، به ویژه شهرهای ابتدایی شمال، برای توسعه تجارت با کشورهای خارجی و به دست آوردن سودهای شریک را حمایت می‌کردند و بالاخره همسر از همه کسبای کاتولیک برای افزایش تنگی و قدرت خود جنگ را تحت عنوان دفاع مزار مقدس در دست کاره تبلیغ می‌کرد.

صلیبیون در شت اوچکسی بزرگ، باعث گسترش وخرابی وسیع سرزمین‌های شرقی و غربی گردهای بزرگی از روستایان اروپایی به ناموی شدند. دست‌های بزرگی از دختران و پسران اروپایی به خلافت افغاند و آنان که سال سال از مهلکه بدر بودند توسط مسلمانان به برهگی به مصریان فروخته شدند. حتی نوم شرقی (ایران)، صلیبی و هم پیمان صلیبیون نیز از این لجاجت بی بهره نماند. سرزمینش به اشغال صلیبیون درآمد و ثروت گدازد. در قرن نهمدهم، کسره به پاد غارت دنیا با رفعت ماحصل آنکه، در قرن جنگ و کشتار وخرابی عظیم حیات مردم آورد نظامی برای صلح گذاشتند. امپراتوری شمالی ابتدایی و ویژه و نیز وزن از آن بهره بسیار یافتند.

جنگهای صلیبی به اهداف نظامی خود رسید، ولی اروپایی حقه خردواب فزون رسدایی را بیدار کرد و زمین پیشرفته شرق را به آنان شناساند. سبابت شهرهای فونیزه و ژنوا را از دریای مدیترانه فراتر برده به دریای سیاه شری

تاریخ اقتصادی جهان نشان می‌دهد که از دیر باز میان مناطق و نواحی مختلف جهان روابط اقتصادی وجود داشته و در طول تاریخ، گوناگونی مهم فعالیت‌های اقتصادی و یکی پس از دیگری چنانچه یکدیگر شدند و هر یک در زمان رومندی خود دیگر مناطق و نواحی را تحت تسلط و نفوذ قرار دادند. برای بررسی روابط وابستگی اقتصادی، بی‌نیگ مطالعه سرچشمه تحولات فزون اخیر ضروری است. از این رو، نظری سریع به سیر نشانه این تحولات می‌توانیم.

شهرهای شمالی ابتدایی، به ویژه فونیزه و ژنوا از قرن دوم تا اوایل قرن شانزدهم میلادی از جمله کانونهای مهم فعالیت‌های اقتصادی جهان بودند. این شهرها تجارت شرق و غرب را به هم پیوند می‌زدند و انحصار گرانقدرترین کالاهای تجاری آن زمان یعنی ادویه و ابریشم را در بازارهای اروپایی در اختیار داشتند. روابط اقتصادی نظامی و فرهنگی شرق و غرب در این دوره به تدریج ابتدایی شمالی و سپس دیگر نواحی اروپا را متحول ساخت.

از قرن دهم میلادی به بعد، قدرت مسلمین در دریای مدیترانه به تدریج کاهش یافت. کاهش تدریجی قدرت مسلمین در دریای مدیترانه و افزایش قدرت نیروی دریایی شهرهای شمالی ابتدایی و با گسترش تجارت در دریای مدیترانه همراه بود. افزایش نسبی قدرت اقتصادی و نظامی شهرهای شمالی ابتدایی، صادرات اروپاییان را برای دست اندازی به سرزمین‌های مسلمین زیادتر کرد. در سال ۱۰۸۷ میلادی، دریانوردان به شهر ایدانیان ملانیه و مدینه و بندر مهمده در ساحل شرقی اریترای شمالی را که در تنگه سوسیال سلطه بود به تصرف درآوردند و با تصرف این بندر، تسلط خود را بر دریای مدیترانه گامی برداشتند. به دنبال تصرف بندر مهمده، تجار مسیحی شهرهای شمالی ابتدایی با سرمایه‌های بسیار و با سرمایه‌های گسترده اروپایی، جنگی را علیه مسلمین و شرق به راه افشانند که مدت دو قرن طول کشید.

داد دامنه اقتصادی تجاری شهرهای شمالی ابتدایی را گسترش داد و ثروت کلانی برای آنان گرد آورد. تجیع ثروت‌های کلان به همراه پدید آمدن صنایع جدید در ابتدای دهه‌ها و صنایع، بانکداران و بازرگانان را به قدرت رسانید و حکومت را از آن آنان نمود. این میزان پیشرفت شرق را همون اینکارتات شخصی خود می‌دانستند و به انسان به عنوان موجودی توانا و حاکم بر سرنوشت خود اعتقاد داشتند. این پیش جنبه آغاز نهضتی بود برای رهایی از قبود فزون و تسلطی که از انبیاات وهر آغاز شد و به تدریج به همه ششون زندگی رسوخ نمود. چون این نهضت ایجاد به صورت رد فاشی گننه گسبستی و جسته برای کشف حقایق فرهنگی باستانی بوده است. رنسانس (یعنی تجدید حیات فرهنگ باستانی) نام گرفت.

شرق در تحولات اقتصادی و فرهنگ اروپا نقش موثری داشته است. از یک طرف شناخت کشاورزی جدید، محصولات تازه کشاورزی، افزایش مصرف نقد، التماس حضرت پلورساری و ابریشم پالی ترجمه کتاب‌های شرقی و بالاخره آشنایی با فرهنگ غنی شرق موجب بسط افق فکری اروپاییان شد و از طرف دیگر سودفران ناشی از تجارت با شرق، فرصت مادی لازم برای ارتقاء علم و دانش در غرب را فراهم کرد.

رنسانس از ابتدای آغاز شد و به سراسر اروپا گسترش یافت. بهداری روشنفکرانه اروپا منجر به تغییرات اساسی در نظرات و اندیشه‌های متفکران شد. روشهای تئوریک را بر اعتبار کرد و مردم جدید را بیان نهاد یکی از بی‌اندهای رنسانس، بررسی مجدد طبیعت بود. یازبتری در گذشته‌های پیشین به د حکم تجربه زدند. هادی علم خود، مبدولوی علمی امروز را بی ریزی کرد. پیشرفت‌های علمی، کم کم شتاب گرفت. شناسندگان شناخت جهان متشاققان علم، روز پیش از روز پیش در پی کشفیات تازه‌های جهان هستی برآمدند. و دراین راه عسرتانه و گداز بی باکانه به پیشواز ماچراها شناختند. نهضت علمی اروپا، اختراعات زیادی را در پی داشت. اختراع ماشین چاپ، میکروسکوپ، قطب نما و سلاحهای آتشین، زاده این نهضت است. اکتشافات جغرافیایی نیز یکی از بی‌اندهای مهم رنسانس است.

اکتشافات جغرافیایی تنها در سایه کشتی‌های ایاتوس بهما امکان پذیر بود. این امکان در طول قرن چهاردهم و پانزدهم پدید آمد. در خلال این در کشتی سان آن دریانوردان اروپایی با ترکیب تکنولوژی کشتی‌های شمال اروپا به نام نورتون گرومگه (Northon Co) که تکنولوژی علمی خاصی جزیره به نام وکراگه (Covrage) سلطه جدیدی ساختند که به اراضی نو توستاد از دریاهای ملاملا عبور کند. تشکیل کارگاه‌های جدید ایاتوس بهما مصداق باره زمانی که در آردیسان بش از زمان همی اقدامی ضد را عنصر می‌کردند. این بی جونی صرفاً به خاطر رونوم ماچراجه‌ها یا میکشاده نبود، بلکه بیشتر به خاطر مشکلات اقتصادی آن بود که دولت عثمانی با این بیان نیروی آورد بود.



از اوایل قرن چهاردهم ایران ترک آسیای صغیر اثر کرد (اروپایی) دست اندازید به سرزمین‌های روم شرقی (ایران)، را آغاز کردند و متصرفات خویش را تا دریای مرمره گسترش یافتند و موقعیت برتری را در شبه جزیره بالکان، بیست آوردند. درسال ۱۴۵۲ میلادی، سلطان بایان، سلطان به محمد دستاورد و با سپاهی کرام، فلسطین فتح کرد (Cavalry)، با کسره و روم شرقی را از میان برداشت. در طول فزون پانزدهم و شانزدهم، لرغوبیا کتبه سواحل شمالی افریقا و سرزمین‌های مستطقی مصر خان‌های وگرمه، کوفتی قره، سوریه فلسطین، مصر، عربستان، مغرب العربین ... به تصرف دولت عثمانی درآمد. کشتی‌های ترک، کارگاه‌های ابتدایی و اسپانیای را دچار وحشت کرد و راههای سنتی تجارت شرقی و راههای مهم تجارت دریایی یافتند. تجارت با در دست گرفتند. دولت عثمانی با این برین حق عبور کالاهای تجاری، محدودیت‌های فزون و شرایط و تجارت دریای مدیترانه را مختل کرد. اختلال در راه تجارت شرقی فسر به سختی بر اقتصاد و تویان، اسپانیای و پرتغال وارد کرد و ساکنان این مناطق را واداشت که در پی یافتن مسیر

جدیدی با شرق دور باشند تنها راه امید، راه دریایی بود. در آن هنگام برای پیدا کردن مسیر جدیدی به شرق دور دو امکان وجود داشت. امکان اول سرازیر شدن به طرف جنوب و پیوستن سواحل غربی آفریقا و دور رفتن آن به امید پیدا کردن راهی به شرق شرق بود این راه را در مکشیتین پرتغالی (Bartolomeo Diaz) و واسکوگاماگانه (Vasco Da Gama) انتخاب کردند و موفق به کشف هند و خاور دور شدند. امکان دیگر، به سوی غرب رفتن و نورنبرگ سراسر غرب کره زمین برای رسیدن به آسیا بود تا آن زمان تقریباً کسی از وجود قاره آمریکا اطلاعی نداشتند اسپانیایی‌ها نامی گویش خود را در این مسیر مستغرق کردند. این مسیر سه تاجران با تلاش مشترک و کوشش کلمب (Columbus) و وِسپوتچی (Vesputchi) و مغالانه (Magellan) کشف شد.



از اوایل قرن شانزدهم، حضور مرتب کشتی‌های اقیانوس پیماهای جدید در مراکز تجاری شرق و زمینهای مستعمره غرب، به عنوان نقطه آغاز تحولی جدید در روابط اقتصادی جهان بود. کشتی‌های اقیانوس پیماهای مستعمره‌ساز، بر آنکه جهان به قطب نما، ساکن و پادمانی جدید محسوب می‌گردد، گوش می‌دهند یا مستعانه از سلاهای آنتن به صورت ذراتی شادوری در پی آثار جهان هستند.

سود، قدرت، مافوق و جیم آفیس این دنیای معاصر با روحه توسعه طلبی و سودجویی و شرفخواری مسلمانان ازها درهم آمیخته، مشترکاً گردآید جدیدی از زوومندی را در جهان بی ریختن این پیشروان تجارت بین‌المللی عصر جدید در اختیار چندین شهری برای عرضه به بازارهای مستعد آن روزگار گذاشتند. بنابراین غلظت ثروت‌های فراوانی در آن زمان پدید آمد و پیشه کردند و آن را موهبه ترین راه مال اندوزی دانستند. انحصار تجارت خارجی کشورهایی آن سوی دریایمان را از طریق دانه کردن ناوگان بحاری مناطق

تجارت داشتند. سیاست بازرگانی خارجی غالب این کشورها بر دکترین «تاز ملتیت بازرگانی» مبتنی بود. دکترین «تاز ملتیت بازرگانی» حکم می‌کرد که ارزش صادرات زیاد شود، از حدود مواد اولیه جلوگیری به عمل آید، واردات به حداقل ممکن کاهش یابد و بالاخره تا حد امکان از ورود کالاها ی لوکس جلوگیری شود.

دکترین «تاز ملتیت بازرگانی» اقدام نامرتبی تجارت خارجی (مثل هزینه‌های حمل و نقل، بیمه، بانکداری...) را از نظر دور نمی‌داشت. قوانین مختلفی که برای تولید و اقتصادی اروپا، اقلیتی کافی به اهمیت اقدام نامرتبی تجارت خارجی داشته‌اند. نمونه بارز این قوانین، قوانینی است که در زمان کارولم (۱۶۵۱ تا ۱۶۶۰) در انگلستان وضع شد. بر پایه قوانین کشتی رانی انگلیس، کشتی‌های خارجی از تجارت و حمل و نقل کالا میان بندر انگلیس منع شدند و کشتی‌های خارجی حق حمل و نقل کالا میان مستعمرات انگلیس را نداشتند. همینطور حمل کالا از آسیا، آفریقا و آمریکا به مقصد انگلیس به جهت انحصار کشتی‌های انگلیسی درآمد.

قوانین کشتی‌رانی سود سرازیری نصیب انگلیس کرد به طوری که گاهی در یک دور حمل و نقل دریایی هزار درصد سود پدید می‌آورد.

در تاریخ اقتصادی به طرفداران دکترین «تاز ملتیت بازرگانی» و حامیان دکترین «قدرت غالبی» (یعنی حمایت از هیپاتریسم برای حفظ برتری نظامی بر دول رقیب) مکزالیستینا یا سودگرا می‌گویند. سودگرا اولین استعمارگران هستند. دکترین «قدرت غالبی» حکم می‌کند مستعمرات به عنوان پانگانی برای تولید مواد خام موردنیاز کشورهای استعمارگر باقی بمانند و سرزمین‌های مذکور کلمه کنه‌های لازم را برای رشد و توسعه کشور صادر به کار برتند. به این طریق سیستم مستعمراتی منابع سرشاری جایه

فارس در سال ۱۵۵۷ میلادی با دخواجه عطاره امیر هرمز چنگید او را شکست داد و سپس خواجهزاد دولت پرتغال کرد همین غارت‌های چنگی کلانی از او گرفت و امیرمهر را مستعد کرد که از کالاهای پرتغال در خلیج فارس، عوارض گمرکی و عوارض دیگری گرفته شود. کشتی‌های محلی بدون اجازه مقامات پرتغالی حق تجارت در خلیج فارس را نداشتند و کشتی‌های دول دیگر مازم به بندت حق عبور و عوارض بازرگانی و گمرکی به پرتغالیها باشند. سپس پرتغالیها، هندوستان و سپس فرانسویان و بالاخره انگلیسیان سیاست انحصار تجارت خارجی را تصاحب کردند.



در طول قرون شانزدهم و هجدهم، اروپا شاهد تحولات عظیم تجاری و اقتصادی بود. این تحولات به نام انقلاب بازرگانی معروف است. تحولات اروپا به کندی و آرامی اما پیوسته صورت گرفت و پس از گذشت دهه‌ها، صدها بار، به کل دگرگون شد. رشد اقتصادی، ازجمله تولید کالاهای قدیم و افزایش تولید کالاهای جدید، سرازیر شدن طلا و نقره از دنیای نو کشفه، افزایش کیفیت، افزایش قیمت مصرف کننده، ازجمله کارگران تولید کننده، کالاهای مصرفی، مهاجرت اروپاییان برای استخراج منابع آمریکا، تأسیس کاروانی‌های مختلف و بالاخره غلظت مستقیم و غیرمستقیم جهان کنه و نو نه عواملی بود که سودهای عظیمی را سرازیر اروپا کرد و نهایتاً سرازیر را در آن قلم شهاب بکشید. با تراکم سرمایه‌ها، طبقه جدیدی به نام بازرگانان یا سرمایه‌داران که شغل آنها اداره امور بازرگانی، کشتی‌رانی و کارخانه‌داری بود و پیش از این چنین مشغول به این وسعت کار، ساخته امضاقت پیوسته شد. بر این مشغولان مشاوران امور مالی نیز که در رتق و فلق امور مالی می‌پرداختند افزوده شد. تراکم سرمایه و پیروید آمدن طبقه جدید با پیدایش کشورهای ملی با قدرت مرکزی برای عرضه، بود. کشورهای که نمایان‌فراوانی به ازجمله ثروت و گسترش ثروت و رونق

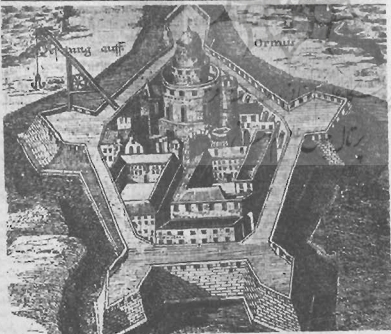
کاهش تدریجی قدرت

مسلمین در دریای مدیترانه با افزایش قدرت نیروی دریایی کشورهای شمالی ایتالیا و با گسترش تجارت در دریای مدیترانه همراه بود.

شهرهای شمالی ایتالیا، به ویژه ونیز و ژنوا، از قرن دهم تا اوایل قرن شانزدهم میلادی از جمله کانونهای مهم فعالیت‌های اقتصادی جهان بوده‌اند.

الفونسو دالبورککه

دریانورد پرتغالی را بایستی جزو نخستین عمال تعقیب سیاست انحصار تجارت خارجی به حساب آورد.



قلعه پرتغالیها در هرمز

شرق توسط آنتی سلاهای خود بست آورده. پرتغالیها کشتی‌های اروپا را در سال ۱۵۰۹ نابود کردند و راه دریای شرق با بستند. هر چه میسر بود را در سال ۱۵۲۲ اشغال کردند. در هر عرصه اندوه به کشتی براب یک پنجم قیمت قبلی، زمینهای زوال جمهوری ونیز را فراموش کردند به این ترتیب فاجعه جانشین ونیز شد و برتری اقتصادی مدیترانه پس از قرن‌ها از دست رفت و سواحل اروپایی اقیانوس اطلس، کانون اصلی اقتصاد دنیا شد.

انحصار تجارت خارجی بازرگانی شکل سیاست بازرگانی خارجی پرتغالیها بود. این سیاست، بعدها، به وسیله جانشینان پرتغالیها یعنی هلندیان، فرانسویان و انگلیسیان دنبال شد. الفونسو دالبورککه دریانورد پرتغالی را بایستی جزو نخستین عمال تعقیب سیاست انحصار تجارت خارجی به حساب آورد. وی برای اولین بار زدها و قرارگاههای نظامی - بازرگانی کشور پرتغال را در سر راه مراکز اصلی روابط بازرگانی آسیا و هندوستان رها کرد. تأسیس دژهای نظامی - بازرگانی در دهکای هندوستان، عدن، هرمز و آفریقای شرقی، به پرتغالیها امکان داد که تجارت هندوستان، ایران و سایر کشورهای آسیای را به خود اختصاص دهند. با تسلط به مناطق استراتژیک و مراکز مهم بازرگانی، انحصار تجارت خارجی شکل گرفت و سود یک جانبه تجارت انحصاری نصیب کشور انحصارگر شد. سیاست انحصار تجارت خارجی معمولاً به صورت حق تجارت انحصاری کشور انحصارگر، محدودیت یا منع تجارت افراد محلی، محدودیت یا منع کشتی‌رانی دریانوردان بومی، و دریافت حقوق گمرکی و عوارض مختلف و حق عبور از کشتی‌های دول دیگر بود. است. دانه کلمه دریای به انحصار درآمدها تجارت خلق

کشورهای استعمارگر و زبان فرادانی نصب سرزمین های مستعمره کرد با گسترش روابط استعماری، سیاست تولیدی صنایع در تدریج شروع به تغییر کرد. بنابراین که تغییر ساختار اقتصاد جهان را شدت بخشید انقلاب صنعتی بود. اثری انسانی بیشتر با این تحولات پانچاهین لازم است. اوضاع و احوال اقتصادی اجتماعی کشوری که برای نخستین بار در تاریخ شاهد انقلاب صنعتی بوده است، توجه بیشتری شود.

در اواسط قرن هیجدهم اثرات انقلابهای بازرگانی و سیاسی صحر جدید در انگلستان و هلند با شدت کمتری در سایر کشورهای اروپا، کاملاً آشکار شد و جامع ساده کشاورزی به جامعه های اقتصادی بازرگانی با عنصری منطقی تبدیل شد. در این زمان دیگر تجارت، محدود به بازاریابی محلی نبود. بلکه متکی به بازارهای ملی و بین المللی بود. انگلستان به جای صدور پشم و گنم، صنوبرهای پشمی و کالاهای فلزی، کتان و کلاهد و کالاهای چرمی و زغال سنگ صادر کرد. گسترش صنعت متشکل از کارگاهها و کارخانه ها بود که به طریق سرمایه داری اندک می شد. به عبارت دیگر کارفرمای سرمایه دار در کارخان سفارش تولید می داد و مواد اولیه و غالباً ابزار کار هم متعلق به کارفرما بود و کارگران فقط مزدی دریافت می داشتند. در این زمان با گسترش سیستم بانکاری، پروت و اسکاس و گسترش کامل پرورش دار بود بانکاری تحت رهبری بانک انگلیس (تأسیس ۱۶۹۴) در خدمت نیازهای مالی سرمایه داران بود.

فناوریهای اقتصادی از سلطه گیلغا، مقامات شهری، کلیسا یا پادشاه خارج شد. بود مسئله همه کاتالی، به میزان و چگونه تولید باید توسعه یابد و وسیله تصمیمات افرادی بنگاههای اقتصادی که خود متاثر از بازارهای وقت آفریز بودند نصیب شد.

با شروع سلطه دولت آزادیات، سیستم سرمایه داری از میان رفت. تولیدات کشاورزی به وسیله خرده مالکین با به وسیله اجاره داران سرزمین می گرفت. خرید اجاره داری با افزایش اثرات و بازگشت تولید کار به هر خرید مزاحم می پرداختند. در حال گسترش بود و با اهمیت گرفتن صنعت پشم و فولاد افزایش تقاضا برای پشم گوسفنداری سوئدورپ در کشاورزی شد.

سرمایه با آغاز نیمه دوم قرن هیجدهم، وضعیت جدید کاملاً جا افتاد و موملین کاملاً پراپاری بود. آزادی تولید که لازم بود، منتهی متعلق افراد بود. برای همه فراهم شد. در هلند طبقه بازرگان چنان قدرتی به دست آورد که ماشین دولت را از کار انداخت.

کشورهایی که در انگلستان بازرگانان با همکاری مالکین دولت را به دست گرفتند با کاهش قدرت دولت و سقوط ضمنی متعلق دولت در فلسطینهای اقتصادی، محصولات خودی وروسلطانی از میان رفت و با تعقیب زبانتی در مسائل اقتصادی، علم اقتصاد پنهان نهاده شد.

در سراسر قرن هیجدهم، رشد صنایع صادراتی انگلیس بیش از رشد صنایع داخلی بود. بین سال های ۱۷۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی صنایع داخلی تحت دورد و صنایع صادراتی نزدیک به هفتاد درصد رشد کرد. در سال های ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۰ میلادی تولید صنایع داخلی با رشد حده و تولید صنایع صادراتی حدود هشتاد درصد افزایش یافت. رشد فعلیات صادرات انگلیس در قرن هیجدهم، به سه پاره استوار بود: اول - انگلیس موفق شد که بازرگانی صادراتی دیگر کشورهای رقیب را به مقدار زیادی به چنگ آورد دوم - انگلیس با افعال سیاست صنعت زبانی در مناطق مستعمره بازرگانشده ای در مناطق تحت نفوذ خود بدست آورد سوم - هیچ دولتی در قرن هیجدهم به اندازه دولت انگلیس به پاسداری از منافع تولید کنندگان خود نپرداخت.

در سراسر قرن هیجدهم، دولت انگلیس برای بدست آوردن بازرگانی صادراتی انگلیس دولت گسترش استعمارگر، پیوسته کوشا بود. بدست سیاست مستعمره تجاوز به منافع رقیب، یکی از اصلی ترین سیاست های بریتانیا در این دوره بود. به چنگ بزرگ که بریتانیا با رقیبها خود در این سده داشت، بازرگانی پیروزهای خارجی انگلستان مایه رضایان آورد و

انحصار بازرگانی در اروپا

انحصار بازرگانی در اروپا

در سال ۱۵۷۷ میلادی با فرافجه عظیمه اروپا هرز چنگید و پس از پیروزی او، در خراجکار دولت پرتغال گرد.

انقلابهای بازرگانی و سیاسی عصر جدید در انگلستان و هلند با شدت کمتری در سایر کشورهای اروپا، کاملاً آشکار شد.

به چنگ آوردن استعمار کامل بر مستعمرات خارجی، در اواسط قرن هیجدهم، رقیبا و همپز از همه، از افزایش صادرات بود. از افزایش صادرات انگلیس تنها در ساه به راه انداختن این جنگ های بزرگ تجاوزکارانه امکان پذیر شد.

تا پیش از آغاز قرن هیجدهم، تکیه اصلی اقتصاد انگلیس بر منافع تجاری و مالی بود. تا سالیسی منابع گسترش دروازه های هلند، بیشتر برای کسب منافع تجاری از راه انحصار تجارت خارجی شرق بود. خرید اولیه و پاره های نخی هند و فرش آن در بازاریابی انگلیس و دیگر مناطق تحت الصیبه و مناطق اروپایی، منافع فراوان نصیب انگلیس می کرد. اما از آغاز قرن هیجدهم، هدف های اقتصادی بریتانیا به گونه ای فرایند به جهت عدم حمایت از تولیدات داخلی تغییر جهت داد. اینها صنعت پشم و فولاد در سراسر به تدریج صنایع دیگر تحت حمایت آرا گرفتند. در سال ۱۷۰۰ میلادی، درود منسوجات اروپایی هند به انگلیس متعلق شد. در طول قرن های سی و شصت پاره های باقی صنعت نساجی انگلیس، به ویژه صنعت پاره های پنبه ای به درجه ای که گسترش رسید. که برای ادامه حمایت خود تا بهار از دست انگلیز و بازاریابی گسترده پیوسته بود. از این هنگام است که سیاست صنعت زبانی صنعت و مناطق تحت نفوذ شروع می شود. بازرگانی نمونه صنعت زبانی در هند (۱۸۴۳ میلادی) رخ داد. با افعال سیاست صنعت زبانی بازار مستعمرات و حتی فلان هند، بر روی تولیدات صنایع و درجهت محصولات نساجی انگلیس کشود می شود. در اوایل قرن هیجدهم صنعت سبده محصولات خودی که نساجی انگلیس به اروپا فرستاد می شد. کالاهای غیر انگلیسی و از جمله کالاهای هندوی بود. اما در این نیمه دوم این سده، بخش اعظم این کالاهای بریتانیایی تشکیل می داد.

در پایان قرن هیجدهم، دولت های مستعمر بر کرانه های دریای شمال با آنتانیک کشایی به صورت قانون اصلی فعالیت های اقتصادی جهان می نمودند.

اول - سرازیر شدن بریتانیا قرار داشت. انتقال کانون اصلی فعالیت های اقتصادی از دریای مندریانه (تجارت ایتالیایی و فلان ایتالیایی و پرتغالی) به منطقه مذکور تنها یک چابکهای جغرافیایی نبود. مشخصه اصلی جابکهای، شدت و گسترش تجارت بود. در تجارت میان مناطق پیشرفته و مستعمره، منافع تقوی و دیگر بخشهای جهان، افزایش فرایندی یافت. تجارت منطقی بر سه پندیده بود.

اول - سرازیر شدن کانونهای جدید به قریب ارض تر است که غنچه با بازاریابی اروپایی، در نیمه اول قرن هیجدهم بخش صنعت صادرات شرق به بازاریابی اروپایی را اودید و طلا نسکلیان در حد حالی که در سده نهم قرن هیجدهم عمده واردات اروپا، شکر، قهوه، چای، تنباکو و منسوجات تشکیل می شد.

دوم - تغییر ساختار اقتصادی مناطق تحت تسلط از تولید کالاها و محصولات لابل داد و ستد در تجارت بین المللی. ایجاد کشتزارهای بزرگ که در آنها بزرگان به کار

کنید می شدند یکی از نمونه های بارز این تغییر ساختار اقتصادی صنعت تحت تسلط است. افزایش کشتزارهای وسیع پنبه، نیشکر، قهوه، تنباکو... با استفاده از نیروی کار بزرگ امکان پیش شد این نظام جدید تولیدی، در غالب موارد امکان دادند و متجانس داخلی مناطق تحت تسلط در مردم ریخت و رابطه اقتصاد بین المللی را اجتناب ناپذیر کرد. هسته از افزایش محصولات قابل داد و ستد در تجارت جهانی تحت چنین انگاره اقتصادی، باعث گسترش غیر انسانی ترین تجارت، یعنی تجارت برده، در جهان شد. تجارت برده، سوه سرازیری برای برده فروشان مستعد، در بر داشت. سوه تجارت برده از نیسی از برده گانی که در اوایل سال های ۱۷۸۰ میلادی از آفریقا حمل می شدند به جیب هند انگلیس می رفت. اعتبار شهرهای چون لودرول، بوسال و لاسکوک به طرز مستقیم به غیر مستقیم به تجارت برده پیوستگی داشت. در قرن شانزدهم نزدیک به یک میلیون نفر سیاحت از آفریقا به آمریکا اعزام شدند. در قرن هفدهم نزدیک به سه میلیون نفر به مستعمرات بزرگ برزیل برده شدند و در قرن هیجدهم این رقم سه به هفت میلیون نفر زد.

سوم - تسخیر مستعمرات برای خدمت به اروپایان اروپایی. قرن هیجدهم دوران گسترش استعمار و استعمار است. در این قرن قسمت اعظم کره زمین به استعمار امپراطوری های بزرگ بریتانیا، فرانسه، دانمارک، سوئد... درآمد. از این میان بریتانیا شخص ترین آنان بود. انقلاب صنعتی انگلستان، از روی چینی انگلستان جهانی سر بر آورد. انگاره مافوارهای که مناطق توسعه یافته را بر گرد خود بریتانیا می گردانید و تجارت جهانی، گوش این اقلار را نیش می داد.

انقلاب صنعتی از نظر نسی به یک سری اظهارات مرتبط به هم گفته می شود که هر یک از این اظهارات به تنهایی سده است. اینکه کارایی را در این مراحل تولید یک رشد صنعتی افزایش می داد. در حین حال عقب ماندگی (عدم کارایی) می باشد دیگر را نسبت به این مرحله آشکار می ساخت.

در نتیجه برای جهان این عدم کارایی، اختراع دیگری لازم بود و حتی که زنجیره ای از چنین اختراعات به هم پیوسته در رفته صنعت تکمیل می شد. این صنعت تحولی اساسی پیدا می کرد و تولیدش چند دهه را بر می شد. به هر حال، از آنجا که انقلاب صنعتی اعمالی گسترده تر از یک تعریف تنگ است، فاداد بعضی استعدادهای جدید تعریف کلی انقلاب صنعتی قرار ندیم و انقلاب صنعتی را همان تحولاتی بنامیم که آغاز مرحله اول آن از نشت با ربع آخر قرن هیجدهم است. انقلاب صنعتی برای نخستین بار در تاریخ در انگلستان پدیدار می شود و در آغاز مرحله اول آن مایشینی نساجی تحت نفوذ صنوبرات هند است. از این رو انقلاب صنعتی همواره با نام پنبه مترادف است.

صنعت نساجی پنبه ای بریتانیا از ابتدا به تجارت جهانی مایه بود. تولید اولی آن از خارج بود. در سده های هجدهم و اولی هم به خارج صادر می شد. مواد اولیه آن نیز تا دهه ۱۷۹۰ میلادی از کشتزارهای وسیع هند و قریب با نیروی کار بزرگ فرامی می شد. از آن تاریخ به بعد بزرگان زیادی از آفریقا به جزایر ایلات مستعد شد. پنبه زراعی وسیعی در ایلات جزیری احداث شد. در مواد اولیه زراعی برای صنایع داخلی انگلستان و کالاهای بریتانیا فرامی گردید. از ۱۷۵۰ میلادی بخش عمده ای از تولیدات این صنعت، رانی بازاریابی هند و صادر دور می شد. بعضی به مناطقی که خود تولید کنندگان و صادر کنندگان اصلی این کالا بودند. ولی سیاست استعماری با دردم گردان صنایع داخلی، آنان را به صورت زنجیره ای وارد کنندگان در آورد.

صنعت نساجی پنبه ای انگلیس از ابتدا به سردی انحصار بازاریابی مستعمراتی و به انگلیسی سیاست صنعت زبانی و نیروی ناگهان دریایی توانست یکبگرد و ادامه حیات دهد. این سیاست برای بریتانیا گریز ناپذیر بود. زیرا: اولاً این کشور بجزه زغال سنگ تقریباً هیچ ذخیره مواد اولیه پیشگیر دیگری نداشت. در نتیجه می بایستی است

راه آهن به زندگی انسانها شتاب بیشتری بخشید. بیرونیکی و ارتباط ملی و جهانی را افزایش داد. ایالات متحده و آلمان را به توسعه صنعتی عظیم بدل کرد. کشاورزی صادراتی را در جهان گسترش داد. اتحاد داد و اقتصاد کشورهای استوایی را بر مبنای صادرات محصولات گرمسیری و کانی بنا نهاد. در دهه ۱۸۴۰ انگلیس ۶۰۰۰ مایل آمریکا را سرمایه حرکت ۷۰۰۰ مایل راه آهن ساخت.

در دهه ۱۸۷۰ بریتانیا ۲۰۰۰ اروپا ۳۷۰۰۰ و آمریکا ۵۱۰۰۰ مایل راه آهن را در کوهها و پشتهها و بیگانه‌ها کار گذاشتند. افزایش روز افزون راه آهن برای سفر و تجارت در دهه ۱۸۸۰ بیشتر با سرمایه بریتانیایی و با مواد و تجهیزات انگلیسی و توسط مفاطمه کاران آن کشور صورت گرفت. از این زمان است که صدور سرمایه بریتانیایی به گوشه و کنار جهان آغاز می‌شود.

صدور سرمایه، تکنولوژی و استفاده از امکانات وسائل مدرن حمل و نقل، بیش از هر زمان دیگری جهان را بسوی سیم‌های اقتصادی وابسته و منکفی که بریتانیا محور اصلی تحول آن بود سوق داد. شتاب گرفتن تغییر انگیزه اقتصادی بین المللی یک خواست ارادی نبود. مسئله سلف شدن با پیش رفتن بود. از زمانی بود که مرحله دوم صنعتی شدن با خود پیوسته آورده بود و آن نیاز بیش از حد به صادرات بود. صدور سرمایه، تکنولوژی، کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی و کالاهای دست نیافته جهان برای صدور، تنها راهی بود که انقلاب صنعتی، بریتانیا برای تداوم رشد صنعتی خود

می‌توانست به آنها فشار وارد کند. بازار کشورهای توسعه نیافته بود قدرت جذب این بازارها به اندازه‌ای نبود که بتواند اضافه عرضه را بچیران کند و ولی بهر حال آمریکا و چین در تعطیل اولین بحران صنعتی بریتانیا نقش حیاتی داشت.



موج دوم صنعتی شدن انگلستان (۱۸۴۰ تا ۱۸۹۵) بر صنایع سرمایه‌ای، تولید آهن و فولاد، اسباب و ادوات و تکامل کشتیرانی پا گرفت. در حقیقت، انقلاب صنعتی مرحله دوم، انقلاب در صنایع سنگین بود. این انقلاب برای اولین بار آهن و فولاد را به وفور تولید کرد و گسترش داد آهن و تکامل کشتیرانی را امکان پذیر ساخت. گسترش راه آهن و کشتیرانی، بازارهای عظیمی برای زغال سنگ و فولاد بریتانیا فراهم کرد و ابزار نیرومندی برای گسترش بازارهای جدید و گرمسیری بازارهای قدیمی شد.

تداوم رشد صنعتی در دوره ۱۸۴۰ تا ۱۸۹۵ میلادی بر دو عامل استوار بود. عامل اول، صنعتی شدن اروپا و آمریکا، شمالی بود. صنعتی شدن این مناطق بازار گسترده‌ای پیش روی صنایع سنگین بریتانیا گذاشت. عامل دوم، سرمایه‌گذاری مجدد بود. سود فراوان، اثبات سرمایه را تسهیل میکرد و اشتیاق فراوان به سرمایه‌گذاری در راه آهن موجی از سرمایه‌گذاری‌های مجدد را فراهم ساخت. گسترش راه آهن نه تنها انگلستان، بلکه تمامی جهان را درگیر کرد.

اعظم مواد اولیه مورد نیازش، بویژه، پنبه را از خارج وارد کند. ثبات تا از زمان بازار داخلی بریتانیا از چنان قدرت خریدی برخوردار نبود که محرک برای صنایع تولید و این مسئله وابستگی به بازارهای بین‌المللی را تشدید می‌کرد. ظهور این نارسایی‌ها بریتانیا با ابتکار به صنعت و روابطی که با جهان توسعه یافته در سالهای ۱۷۸۰ تا ۱۸۱۵ برقرار کرده بود، توانست تجارت خود را به‌زبان فوق‌العاده‌ای گسترش دهد. اما چنین نرخ افزایش فوق‌العاده‌ای برای مدت طولانی نمی‌توانست ادامه داشته باشد.

مرحله اول صنعتی شدن که معمولا آثرا میان سالهای ۱۷۸۰ تا ۱۸۴۰ میلادی می‌دانند، از دهه ۱۸۳۰ تا اوایل دهه ۱۸۴۰ بریتانیا را موانع با اولین بحران صنعتی کرد. دو دلیل عمده برای این بحران می‌توان تعدد اول اینکه با چالش‌های انقلاب صنعتی مرحله اول، تولید کالاهای پنبه‌ای چند برابر شد. رقابت میان تولیدکنندگان برای فروش کالاهای تولید شده سبب کاهش قیمتها شد. کاهش قیمتها با کاهش هزینه تولید همراه بود. اما کاهش هزینه‌ها در کنار آن کاهش قیمتها بود. در نتیجه، سود پست شد. سیر نزولی پیوسته در اینگونه طیف، کاهش سود در هر واحد کالایی تولید شده می‌توانست با افزایش مقدار فروش جبران شود. اما رشد تقاضای داخلی برای کالاهای پنبه‌ای به کندی صورت می‌گرفت و این رشد در دهه سی و اوایل دهه چهل قرن نوزدهم، کندتر شد.

اروپاییان و ساکنان آمریکای شمالی به فایلی به واردات تولیدات پنبه‌ای نداشتند. بنابراین، تنها منطقه‌ای که بریتانیا

✱ با آغاز نیمه دوم قرن هیجدهم، در هلند طبقه بازرگانان چنان قدرتی به دست آورد که ماشین دولت را از کار انداخت.

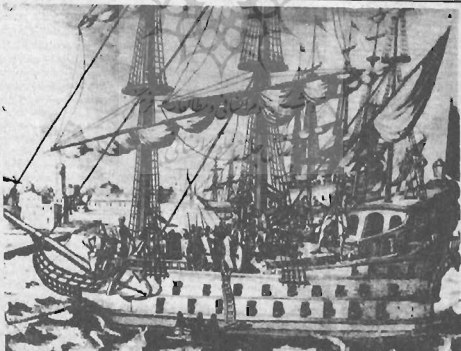
✱ افزایش شتابان صادرات انگلیس، تنها در سایه به راه انداختن جنگ‌های بزرگ تجارزکارانه امکان پذیر شد.

✱ سود تجارت بیش از نیمی از بردگانی که در اوایل سالهای ۱۷۸۰ میلادی از آفریقا حمل می‌شدند به جیب تجار انگلیسی می‌رفت.

✱ چین و ژاپن بین سالهای ۱۸۴۰ و ۱۸۶۰ به کمک زمین‌موتوهای کشورهای پیشرفته، وارد جرکه تجارت نامحدود بین‌المللی شدند.

✱ با به راه افتادن خطوط آهن و تکامل کشتیرانی در جهان، امکان بهره‌برداری از مناطق پرت و دور افتاده گیتی که از دایره بهره‌گیتی بدور مانده بودند، فراهم شد.

✱ در سراسر قرن هیجدهم، رشد صنایع صادراتی انگلیس بیش از رشد صنایع داخلی بود.



در طول ۳۰ سال (۱۸۲۰ تا ۱۸۷۰ میلادی) تجارت بین المللی ۵۰۰ درصد افزایش یافت و از رقم ۴۰۰ میلیون پوند به ۴۰۰۰ میلیون پوند رسید.

از ابتدای قرن نوزدهم، به تدریج مجموعه‌های از سیستم‌های اقتصادی در جهان پدید آمد که در یک سوی آن کشورهای پیشرفته غربی و در سوی دیگر کشورهای در حال توسعه قرار داشتند.

پس روی داشت. سرمایه‌داری و تکنولوژی انگلیس، ابیلات متحده و آمریکا و فرانسه، از سوی صنعتی شدن سریع داد و بیدار افغان خطوط آهن و تکامل کشتی رانی در جهان، امکان بهره‌برداری از مناطق پربود و رفاه‌آفرین گیتی که تا آن تاریخ از دایره بهره‌گسی بدور مانده بودند، فراهم نمودند. فرایند ماندن چین و ژاپن که تا آن زمان خارج از مدار تجارت جهانی بودند و معایب به گشایش بازارهای خود به روی اقتصادی تویین نشاندهند، پس سالهای ۱۸۲۰ و ۱۸۶۰ به کمک رزواوهای کشورهای پیشرفته، وارد چرخه تجارت نامحدود بین المللی شدند. رشد اقتصادی و رونق گسترده این تریبیت پس از سالهای ۱۸۵۰ در جهان پدید آمد. این نواست بر این مبنیه پایه‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۶۰، بحرانی در پی داشت و این دومین بحران بزرگ انقلاب صنعتی بود.

امپریالیسم می‌گردد. امپریالیسم داد بحران اقتصاد بزرگ (۱۸۷۳ تا ۱۸۹۶ میلادی) است. تقسیم افریقا در دهه ۱۸۸۰، بروجیدن کمتری می‌ماند که اداره حکومتها به ظاهر مستقل را به عهده داشته‌اند مثل حکومتهای مصر و ترکیه پس از سالهای ۱۸۷۶ و سرمایه‌گذاری و راههای خارجی بعنوان لازمی برای نفوذ و کنترل، همه تقاضای از زایش این مروجه جدید است.

در پایان این بررسی، ابتدا مروری آماری و کوتاه از قرن نوزدهم خواهیم داشت. سپس به اندازه‌گیری کلی تجارت بین المللی در پایان قرن اشاره می‌کنیم. تا پیش از ۱۸۴۰ میلادی، این آنجا که هنوز تولید محدود نبود، و نیمه‌تولید هنوز مشکلات فنی در بهره‌برداری و نقل و انتقال و انسان‌ها برایشان شده بود. نتیجتاً، فعالیت‌های اقتصادی نسبتاً محدود بود. پوشش هر طرف سی سال اول قرن نوزدهم، تجارت بین المللی تنها ۳۰ درصد افزایش یافت. در سال ۱۸۰۰ تجارت بین المللی در حدود ۳۰۰ میلیون پوند بود. در سال ۱۸۲۰ میلادی ارزش تجارت جهانی ۴۰۰ میلیون پوند رسید. اما از سال ۱۸۲۰ میلادی به بعد علت موانع بالا در طول سی سال (۱۸۲۰ تا ۱۸۷۰ میلادی) تجارت بین المللی ۵۰۰ درصد افزایش یافت و از رقم ۳۰۰ میلیون پوند به ۴۰۰۰ میلیون پوند رسید. تا اوایل دهه ۱۸۶۰ میلادی بریتانیا در حدود ۱۶۰۰ میلیون پوند سرمایه‌گذاری خارجی داشت. این رقم در سال ۱۸۷۳ از مرز هزار میلیون پوند گذشت.

کشش جهانی نتیجه منطقی انقلاب صنعتی مرحله دوم بود. هر چه گسترده‌تر گسترده‌های جدید ایجاد می‌شدند، هر چه بیشتر و هر چه گسترده‌تر، این مناطق نیازمند کشاورزی در جهان، باعث کاهش هزینه تولید کالاها می‌گشتند. این کاهش هزینه باعث نقل و کاهش هزینه تولید کالاها می‌گشت. این کاهش هزینه، گسترده‌تر و افزایش می‌شد. اما سرعت رشد افزایش یافته‌ها کسر شد. هر چه گسترده‌تر و گسترده‌تر، کشاورزی در ایالات متحده آمریکا، فرانسه و آلمان، باعث مغایله با بحران اقتصادی ناچار شدند. مدت زمان تجارت آزاد برآورد و در سیاست حمایتی روی آورند. آنان از طریق وضع حقوق گمرکی به حمایت از بازارهای محصولات صنعتی و کشاورزی خود پرداختند و برای جلوگیری از سقوط قیمتها که ناشی از فعالیت‌های رقابت‌آمیز تولیدکنندگان بود دست به تمرکز اقتصادی زدند. تولیدکنندگان آلمانی و آمریکایی از طریق تشکیل کارتلها، ریزه‌ها و کوردها، در دهه ۱۸۸۰ از سقوط قیمتها جلوگیری کردند. شیوه‌ای که کشورهای مذکور برای مغایله با بحران اقتصادی اتخاذ کردند راهی نبود که بریتانیا بتواند انتخاب کند. اقتصاد بریتانیا پیش از آن جهانی شده بود که بتواند تنها به بازار محدود، جهانی، دست بردارد و برای تمامیت آزاد بین المللی که او را به کارگاه جهانی تبدیل کرده بود بیشتر آن بود که بتواند به سیاست حمایتی روی آورد و یا بندهی به اصول شرایط رقابت کامل در بازارهای داخلی و خارجی باشد و آن بود که بتواند به تمرکز اقتصادی مست زندگی آبرو، تنها یک راه است که در اصول اقتصادی، هزینه انگلستان نیز مسازد. بدین معنی، هر چه مغایله با بحران نشاندهند شد، آن تشدید تسلط اقتصادی و سیاسی بر مناطقی از جهان بود که تاکنون بهره‌بردارکننده قرار نگرفته بودند. البته در این راه بریتانیا تنها نبود. دیگر قدرت‌های رقیب نیز با او همگام بودند.

از اوایل قرن نوزدهم، توسعه اقتصادی و تکنولوژی پیشرفت‌های چشمگیری در انگلستان، فرانسه و آلمان، باعث شد تا اقتصاد جهانی رونق بگیرد. در این دوران، کشورهای اروپایی و آمریکایی به تدریج به کشورهای آسیایی و آفریقایی وارد شدند. این امر باعث شد تا اقتصاد جهانی گسترده‌تر شود. در این دوران، کشورهای اروپایی و آمریکایی به تدریج به کشورهای آسیایی و آفریقایی وارد شدند. این امر باعث شد تا اقتصاد جهانی گسترده‌تر شود.

قرن نوزدهم شاهد تحولات عمده‌ای در اقتصاد جهانی بود. یکی از مهم‌ترین این تحولات، ظهور سرمایه‌داری و صنعتی شدن بود. این فرآیند باعث شد تا تولیدات صنعتی به شدت افزایش یابد و نیاز به بازارهای جدید برای فروش محصولات پیدا کند. در نتیجه، کشورهای اروپایی و آمریکایی به تدریج به کشورهای آسیایی و آفریقایی وارد شدند و به تدریج این مناطق را تحت تسلط اقتصادی و سیاسی خود درآوردند. این امر باعث شد تا اقتصاد جهانی گسترده‌تر شود و رقابت بین المللی در سطح جهانی شکل بگیرد.

سیستمهای اقتصادی در جهان پدید آمد که در یک سوی آن کشورهای پیشرفته غربی و در سوی دیگر کشورهای در حال توسعه قرار داشتند. این سیستم‌ها باعث شدند تا اقتصاد جهانی گسترده‌تر شود و رقابت بین المللی در سطح جهانی شکل بگیرد. در این دوران، کشورهای اروپایی و آمریکایی به تدریج به کشورهای آسیایی و آفریقایی وارد شدند و به تدریج این مناطق را تحت تسلط اقتصادی و سیاسی خود درآوردند. این امر باعث شد تا اقتصاد جهانی گسترده‌تر شود.

در طول این دوران، تحولات اقتصادی و اجتماعی بسیار مهمی رخ داد. یکی از این تحولات، ظهور جنبش‌های اجتماعی و سیاسی برای بهبود شرایط کارگران و فقرا بود. این جنبش‌ها باعث شدند تا قوانین کار و رفاه اجتماعی در کشورهای پیشرفته غربی وضع شود.

در این دوران، تحولات اقتصادی و اجتماعی بسیار مهمی رخ داد. یکی از این تحولات، ظهور جنبش‌های اجتماعی و سیاسی برای بهبود شرایط کارگران و فقرا بود. این جنبش‌ها باعث شدند تا قوانین کار و رفاه اجتماعی در کشورهای پیشرفته غربی وضع شود. در این دوران، کشورهای اروپایی و آمریکایی به تدریج به کشورهای آسیایی و آفریقایی وارد شدند و به تدریج این مناطق را تحت تسلط اقتصادی و سیاسی خود درآوردند. این امر باعث شد تا اقتصاد جهانی گسترده‌تر شود.

مآخذ

۱. ریک، ج. پی. پی. صنعت و امپریالیسم در قرن نوزدهم.
۲. انتشارات ما، چاپ اول، بهار ۱۳۶۱.
۳. تحلیلات اقتصادی، وضع تاریخی و تحول آینده، چرامع کرد رشد، چاپ چهارم، آذرماه ۱۳۶۱.
۴. اقتصاد شماره ۲ و ۳، ص ۳۰۰ تا ۳۰۵.
۵. سفر سه‌ماهه، کلیات علم اقتصاد تشریحات عباس فرید، شماره ۷ چاپ بهروز، سال ۱۳۶۱.
۶. سفر، چهار، میراث خوار استعمار، چاپ گیلان، بهار ۱۳۶۲.
۷. در فرضی جهان، نظریه‌های تجارت بین المللی، جزه درس، انتشارات دانشکده علم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، سال ۱۳۶۴.
۸. گوستینسکی، تاریخ قرون وسطی، ترجمه ساسی نصرانی، مؤسسه مترجمی، جلد چهارم، چاپ چهارم، نشر آینده، ۱۳۵۳.
۹. جلال آل احمد، فرد زنگی، زمستان ۱۳۶۱، تهران.
۱۰. سیدمان مدنی، محاکمه خلق فارس نویسنده، انتشارات توس.

۹. The International Economy, Elliswors & others, fifth Edition, Macmillan publishing Co., Inc, 1975.
Ships, Johnathan Rutland, Octopus Books Limited.